

دکور بدون محتوا مخاطب رایک دقیقه‌نگه می‌دارد!



گفت وگو با مجتبی فلاحی
بازیگر «حکم رشد»

تقابل عشق و وظیفه

ذبیح، یک پلیس درستکار و خانواده دوست است که وارد یک قصه مهلک و چالش برانگیز می‌شود. یکی از دلایلی که من پذیرفتم در این سریال بازی کنم، همین تفاوت و ویژگی‌های ذبیح بود. چون در طول داستان، ذبیح در تصمیم‌گیری‌هایش اتفاقاتی را رقم می‌زند که شاید در سریال‌های تلویزیونی این‌وجه از پلیس را کمتر دیده باشید...

فصل دوم سریال اسرائیلی «تهران» هم مثل فصل اول باعث خنده تماشاگران شده است

مضحکه

رژیم صهیونیستی

گفت وگو با شهرام شکبیا، مجری و نویسنده برنامه‌های تلویزیونی؛

دفاع باتفنگ بادی

در مقابل

اسلحه جنگی



نگاهی به فیلم سینمایی «انفرادی» ساخته مسعود اطیابی

فیلمی که فقط قرار است بخنداند

انفرادی، فیلم شسته‌رفته و مرتبی است و در کلیت آن اثری از کم‌فروشی به چشم نمی‌خورد. مخاطبی که با خرید بلیت ۴۵ هزار تومانی راهی سالن نمایش شده، ناراضی از سالن بیرون نمی‌آید و ۹۰ دقیقه زمان مفرح را سپری می‌کند...



جواب

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۲۱۲

یادداشت

بهترین دفاع حمله است



کوروش زارعی

بهترین دفاع، حمله است. شاید این جمله در نگاه اول، کمی ما را از دنیای فرهنگ و هنر دور و به مسابقات ورزشی نزدیک کند اما همین تک‌جمله می‌تواند استراتژی ما را در رویارویی‌های فرهنگی عوض کند. قبل از توضیحات درباره این جمله، بهتر است مقدمه‌ای گفته‌شود؛ چهل و اندی سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می‌گذرد و تجربه ثابت کرده است دشمنان این مرز و بوم، لحظه به لحظه درصد آسیب‌رسانی به ما بوده‌اند. به اعتقاد نگارنده، این آسیب‌رسانی‌ها بیش از آن که نظامی باشد، فرهنگی است؛ چرا که زیربنای همه فعالیت‌های اجتماعی، اقدامات اقتصادی، سیاسی و... قطعا فرهنگی است و دشمن به خوبی به این مهم دست پیدا کرده است که برای آسیب‌رسانی به نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردمانش، اولین قدم یورش به فرهنگ آن است. بهترین شاهد این ماجرا هم دفاع مقدس هشت‌ساله ما در برابر تجاوز حزب بعث عراق است. چرا؟ کمتر کسی است در دنیا که نداند ما به لحاظ ادوات و تجهیزات نظامی حرفی برای گفتن در آن هشت سال در برابر دشمن متجاوز نداشتیم اما چه چیزی باعث شد آن روزهای سخت به مدال افتخار و پیروزی چشمگیر برای ملت عزیزمان مبدل شود؟ بله درست است؛ فرهنگ، عزم و اراده‌ای شکست‌ناپذیر که ریشه در اعتقادات رزمنده‌ها داشت و آن اعتقادات سازنده فرهنگ غنی اسلامی ایرانی ما. فرهنگ می‌تواند نشد را شد کند و ناممکن را ممکن. مثال‌های بی‌شمار دیگری از تاثیر شگرف فرهنگ بر آینده یک کشور می‌توان به‌کار برد که در حوصله این نوشته نمی‌گنجد. اما برگردیم به جمله بالا. بهترین دفاع، حمله است. خاطراتان هست دهه ۷۰ ویدئو ممنوع بود و مسوولان فرهنگی آن زمان از سر نادانی یا از سر خبیات چه موضع تدافعی گرفتند و در مقابل حمله دشمن تنها به انکار اصل موضوع پرداختند؟ این یک نمونه کامل در دسترس از دفاع محض فرهنگی است که به جای آن که حقیقت ویدئو را بی‌دیند و از بستر به وجود آمده به وسیله آن بهره‌برند و برای آن تولید محتوا کنند، آن را انکار کردند؛ درست مثل فضای مجازی این روزها. بخواهیم یا نخواهیم دشمن هر لحظه به ما فکری می‌کند و نقاط ضعف و احیاناً آسیب‌پذیر ما را رصد می‌کند. جهاد تبیین دقیقاً یعنی تبدیل موضع تدافعی به حمله. یعنی اگر ویدئو آمد، به جای انکار آن، برایش تولید محتوا کنیم و زمین بازی را خودمان تعریف کنیم. یعنی اگر فضای مجازی را از همان اول جدی گرفته بودیم، هنرمندان هنرهای نمایشی (سینما، تلویزیون و تئاتر) را اقتاع می‌کردیم که وظیفه اصلی آنها جهت‌دهی به افکار عمومی در بستر فضای مجازی است. و البته الآن هم دیر نشده است.

*مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری

جشنواره‌ای

با ۱۶۶ برگزیده!

فرهنگسرای بهمن، پنجشنبه هفته گذشته میزبان آیین اختتامیه نهمین جشنواره تکنوازی تار و سه‌تار به دبیری کیوان ساکت بود، جشنواره‌ای که ۱۶۶ برگزیده داشت. کیوان ساکت، دبیر نهمین جشنواره تکنوازی تار و سه‌تار خطاب به خانواده‌های شرکت‌کنندگان جوان این رویداد گفت: «این جشنواره‌ها تنها بهانه‌ای هستند برای ایجاد انگیزه بیشتر برای هنرمندان جوان به فرهنگ موسیقی ملی ایران.» آن‌طور که در اینستا، ساکت در ادامه گزارشی، روند جشنواره را به این شرح اعلام و عنوان کرد: «۷۰۰ اثر در مدت کوتاه یکماه به دبیرخانه جشنواره فرستاده شد. از این ۷۰۰ اثر چیزی حدود ۲۰۰ عدد خیلی ابتدایی بودند. در نهایت نزدیک به ۵۰۰ اثر از سوی هیأت داوران، مورد بررسی دقیق قرار گرفت. از این ۷۰۰ اثر، ۱۶۶ اثر برگزیده کردیم که به هر کس می‌گفتیم حیرت می‌کرد، برای این‌که هیچ جشنواره‌ای این قدر اثر برگزیده نداشت.



«جام جم» تب افشاگری‌های تعرض در سینما را بررسی می‌کند ممکن نیست

مبارزه با فساد در سینما قاطعیت می‌خواهد، نه هشتگ

فرج احسان نجفی - جام جم

با هنگام بلایای طبیعی به عنوان عناصر غرزن حرفه‌ای پیدا می‌شود، واقعا دغدغه فسادستیزی ندارند و بیشتر به فکر بازتولید یک جریان فرهنگی و تقلید از مشاهیر سینمای هالیوود هستند؛ وگرنه راه مبارزه جدی و واقعی با فساد اخلاقی در جامعه‌ای دینی، که دستگاه‌های مسوول نسبت به این حوزه، تعصب و غیرت دارند، روشن و مشخص است. آنهایی که امروز به فکر مبارزه با فساد افتاده‌اند و شروع به هشتگ‌زنی و افشاگری کرده‌اند، چرا تا قبل از این‌که چند زن شجاع در محیط فسادزده هالیوود صدای خود را بلند کردند، سکوت کرده‌بودند و جز تماشای در و دیوار و حتی همراهی با متجاوزان کاری نکردند؟ حرف‌های چپستان یثربی را به یاد دارید که همین دلسوزان همیشه در صحنه امروز را رسوا کرد و خطاب به آنان گفت مگر شما نبودید که مرادعوت به سکوت می‌کردید و به جای دفاع از من، از متجاوز دفاع و مرا متهم می‌کردید؟

قاطعیت به سبک خانه‌تئاتر

سلب‌ریتی‌های هشتگ‌زن، سعی دارند راه و شیوه مبارزه با فساد را هم خودشان تعیین کردند؛ شیوه‌ای که در آن به اندازه کافی نتوانند نمایش دهند و یزوشنفکرانه انسانیت و فمینیسم بگیرند. یکی از راهبردهای آنان در این مسیر، این است که به جای نهاد‌های رسمی و قانونی کشور، نهاد‌های صنفی مانند خانه‌سینما را جایگزین کنند. واقعیت این است اگر خانه سینما، اداره و توانی برای برخورد با فساد داشت، تا امروز به جز صدور بی‌بانه‌های «نه سیخ بسوزد نه کباب» کاری می‌کرد. همین دو روز قبل، اعتراض‌ها به عملکرد ضعیف و شاید بشود گفت خنده‌دار شورای دآوری خانه‌تئاتر، در خصوص

بیشتر شود. واقعیت اما این است که این صدا سال‌ها قبل در سینمای ایران بلند شده بود؛ روزی که مرحوم فرج... سلحشور فریاد زد و درباره مفاسدی که سینمای ایران به آن دچار است، صراحتاً حرف زد، بسیاری از چهره‌هایی که امروز خود را پیش انداخته‌اند و در قالب جنبش‌های اینترنتی حرف می‌زنند، آن روزها به پاسخگویی و توهین و تخریب سلحشور پرداختند و ساحت سینمای ایران را از هرگونه فساد اخلاقی میرادانستند.

دغدغه سلب‌ریتی‌های دو تابعیتی

واقعیت این است که بخشی از سینمای ایران و برخی بازیگران آن، از سال‌های قبل دچار مشکلات و معضلات اخلاقی و دگربر فساد بوده‌اند و در این سال‌ها هم هر از گاهی یکی از دست‌اندرکاران سینما، که به این روابط ناسالم تن نداده و از چرخه هنر- صنعت سینما حذف شده‌است، صدایش را بلند کرده، ولی صدای او در هیاهوی دیگران گم شده‌است.

برخی چهره‌های سینمای ایران به خصوص سلب‌ریتی‌هایی که یک پا در ایران و یک پا در خارج دارند و بیشتر از نگرانی برای اخلاق و فرهنگ، نگران تمدید گذرنامه خود هستند، در این سال‌ها سعی کرده‌اند به جای تلاش برای سالم‌سازی محیط کار و فعالیت هنری خود، از خارجی‌ها دلبری کنند.

سلب‌ریتی‌های عمدتاً دو تابعیتی در این سال‌ها، زندگی هشتگی خود را بر اساس پسند‌های مخاطبان آن سوی آب برنامه‌ریزی کرده‌اند و در این مسیر، با ایجاد ائتلاف با برخی سیاستمداران داخلی، که سیاست سهل‌انگاری را در فضای فرهنگی پیش برده‌اند. این افراد که معمولاً سرو کله‌شان در میتینگ‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان

شبنم فرشادجو، بازیگر با انتشار عکس عسده‌ای از سینماگران نوشت: «هر کسی این اشخاص رو دنبال می‌کنه در اینستاگرام، لطفاً من رو آنفالو کنه». وی نام و عکس پنج بازیگر سینمای ایران را هم منتشر کرده‌است. وجه مشترک این پنج نفر این است که در هفته‌های اخیر، در توئیتر و دیگر شبکه‌های اجتماعی، متهم شده‌اند در آزار جنسی و اعمال خشونت علیه زنان در حوزه سینما دست داشته‌اند. خانم فرشادجو، مطلب خود را با هشتگ «من هم» منتشر کرده تا برای کسی جای شبهه‌ای نماند که او هم به جنبش فضای مجازی برای افشای آزارهای جنسی در سینمای ایران پیوسته‌است؛ جنبشی که بخواهیم یا نخواهیم چشم به آن سوی آب‌ها و تلاش زنان هالیوودی برای افشای فساد جنسی در پشت صحنه سینمای آمریکا دارد.

شاید خیلی‌ها تاریخچه این افشاگری‌ها درباره وجود مفاسد در پشت پرده سینمای ایران را به سال گذشته و افشاگری‌ها درباره نقش یک چهره فعال هنری در کشاندن پای چند زن به خانه خود و تجاوز به آنان برسانند. شاید هم عده‌ای، راه دوری نروند و به همین فروردین امسال ارجاع بدهند.

فروردین امسال سمیه میرشمسی، دستیار کارگردان از اتفاق تأسف‌آوری صحبت کرد که در پشت صحنه یک فیلم سینمایی رخ داده و یکی از مشهورترین بازیگران مرد سینمای ایران، با اعمال خشونت به او تعرض کرده‌است. این افشاگری آشکار باعث شد روایت‌های بیشتر و تازه‌تری مطرح و دایره نام‌های مردان تجاوزگر

آذر مهاجر
فرهنگ و هنر

در پایتخت کشورمان جایی باید وجود داشته باشد برای برگزاری رویدادهایی مانند نمایشگاه کتاب تهران بدون آن‌که ترافیک بخشی از شهر را فلج کند. مکان نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران زیر بار همین فشار ترافیک نتوانست بیشتر از پنج دوره میزبان نمایشگاه تهران باشد و نمایشگاه به مصلی امام خمینی (ره) منتقل شد تا بالاخره وعده‌های شهرداری وقت تهران در سال ۹۵ به ثمر نشست و مجموعه شهرآفتاب افتتاح شد اما این مجموعه به دلیل مسافت طولانی، مشکلات حمل و نقل، نبود امکانات و خدمات رفاهی و حتی آب‌گرفتگی غرقه‌ها در اثر بارندگی نتوانست میزبان خوبی برای نمایشگاه باشد. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران دوباره به مصلی منتقل شد تا رسید به سی و سومین دوره که بعد از دو دوره اجرای مجازی به دلیل شیوع ویروس کرونا، بار دیگر میزبان علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی شده است. بعد



حداقل ۵۰۰۰ مترمربع کمتر از شهر آفتاب فضای سرپوشیده دارد و بار ترافیکی سنگینی به شهر تحمیل می‌کند. واقع هر کدام از این دو مکان در کنار مزیت‌ها، مشکلات و ایرادهایی دارند که سبب شده همچنان علاقه‌مندان به کتاب از داشتن یک فضای نمایشگاهی مطلوب محروم باشند. آیا نمایشگاه سال آینده در مجموعه شهر آفتاب برگزار خواهد شد و از عهده میزبانی علاقه‌مندان به کتاب برخوآمد آمد یا این داستان همچنان ادامه خواهد یافت؟

خبر روز

باز هم نمایشگاه کتاب ترافیک‌ساز

از رازینی‌ها، جلسات و هم‌اندیشی‌های بسیار میان مسوولان شهری و فرهنگی، در نهایت باز هم مصلی انتخاب شده است، احتمالاً از این بابت که پیش‌بینی می‌شد امسال جمعیت کمتری از نمایشگاه کتاب بازدید کنند اما پیش‌بینی‌ها درست از آب در نیامد و ترافیک در اتوبان‌ها، خیابان‌های منتهی به مصلی دوباره سنگین شده و متروی تهران نیز این روزها با ازدحام جمعیت دست و پنجه نرم می‌کند. نکته اینجاست که در یکی از جلسات شورای ترافیک شهر تهران با حضور علیرضا زاکانی شهردار تهران و مسوولان حمل و نقل شهری و پلیس راهور و استانداری و دیگر مسوولان مرتبط، مجموعه شهرآفتاب برای برگزاری نمایشگاه کتاب تصویب شد اما کمی بعد سخنگوی شورای شهر تهران اعلام کرد شهر آفتاب برای برگزاری نمایشگاه کتاب آمادگی ندارد و باید به رفع نواقص بپردازد. مصلای امام خمینی (ره) در مرکز شهر قرار دارد و عملکرد نمایشگاهی آن در طول این سال‌ها امتحانش را پس داده اما